

# بررسی زمینه های همگرایی و واگرایی در میان اقوام ایرانی

سیدعباس احمدی: استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران  
سامان جعفری: دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

## چکیده

اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان، در کنار قوم و نژاد اصلی تشکیل دهنده ملت خود، شامل یک یا چند قوم و نژاد ساکن دیگر (اقلیت) نیز می باشند. اقلیت ساکن در یک کشور می تواند به دو دسته اصلی تقسیم بندی شود: اقلیت بومی و اقلیت غیر بومی. در ایران با توجه به کثرت جمعیت اقلیت های بومی نسبت به غیر بومی ها، عموماً مراد از بحث قومیت و یا اقلیت، اشاره به ایرانیانی است که در یک یا چند مولفه عمده فرهنگی با اکثریت بدنه ملت، متفاوتند. تا هنگامی که این تفاوت ها تنها به مولفه های ذاتی و اساسی (نژاد- زبان- دین و مذهب) مربوط شود، کمتر موجب واگرایی از نوع تجزیه طلبانه است. اما زمانی که تفاوت های بنیادین با تفاوت های غیربنیادی و رفتاری (تبعیض) همراه شود، می تواند زمینه و بستر حرکت های واگرایانه را ایجاد کند.

این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته است، ضمن معرفی اقوام عمده ساکن در کشور (آذری- کرد- لر- عرب- بلوچ - ترکمن) و بررسی آنها از منظر چهارچوب جغرافیایی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی، در صدد است تا ضمن ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از واگرایی اقوام از بدنه اصلی ملت، پیشنهادهای نیز برای همگرایی هرچه بیشتر آنها با هم و با بخش مرکزی، ارائه کند.

واژه های کلیدی: اقوام، ایران، همگرایی، واگرایی

## ۱- مقدمه

"فارس یا کرد و بلوچی، جملگی یک پیکریم / ترک، سامی، ترکمان، لر، زاده این کشوریم"

از گذشته های دور سرزمین ایران، مسکن اقوام مختلف و متنوع بوده است. پس از ورود آریایی ها به فلات ایران، سه دسته اصلی آنها، در سه بخش مختلف ایران ساکن شدند و همین امر، عدم اختلاط آنان را در بر داشت که بعدها در شکل گیری تمایزات میان ساکنین مناطق مختلف کشور، بی تاثیر نبود. بطور کلی، مادها در غرب و شمال غربی، پارس ها در مرکز و جنوب، و پارت ها در شرق و شمال شرقی سکنی گزیدند.

با عنایت به مطالب فوق، لزوم توجه و برنامه ریزی برای حفظ نقاط قوت در تعامل اقوام و برطرف ساختن نقاط ضعف در این رابطه، آشکار می گردد. با توجه به حساسیت مساله اقوام، رقابت میان اقوام با یکدیگر و با دولت مرکزی و بدنه اصلی ملت و سابقه درگیری های سیاسی و حتی نظامی اکثر اقوام عمده کشور، «اگر به این مسئله به صورت معنایی و محتوایی نگریسته نشود و راهکارهایی عملی و فرهنگی در این خصوص، پی گیری نشود و همچنان به دلیل برخی ملاحظات امنیتی، اصل مسئله مورد غفلت قرار گیرد،

تبعات جبران ناپذیری برای کشور ایجاد خواهد کرد» (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین، این نوشته در نظر دارد ضمن تشریح ویژگی های مختلف اقوام عمده ایرانی، راهکارهایی نرم و بعضا ناملموس، برای افزایش همگرایی این اقوام با بخش مرکزی کشور را مطرح کند. این پژوهش در دو بخش کلی سازماندهی شده است: در بخش اول، تلاش شده تا به طور بسیار خلاصه و فشرده، ویژگی های جغرافیایی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی اقوام عمده ایرانی (شامل: آذری، کرد، لر، عرب، بلوچ و ترکمن) برای شناختی کلی از آنها ارائه شود. در بخش دوم، بر پایه اطلاعات بخش اول، تلاش شده تا زمینه ها و عوامل همگرایی و واگرایی این اقوام نسبت به بخش مرکزی کشور، معرفی شوند. در پایان نیز پیشنهادهایی در راستای افزایش همگرایی و کاهش واگرایی اقوام، ارائه شده است. سئوالی که این پژوهش در پی رسیدن به پاسخ آن است، اینکه زمینه های تفاوت میان اقوام مختلف ایران از چه عواملی تشکیل می شوند؟ و اینکه چگونه می توان در عین وجود این عوامل واگرا، به همگرایی اقوام رسید؟

## ۲- روش تحقیق

این پژوهش، از نوع تحقیقات توصیفی تحلیلی است. برای جمع آوری داده ها و اطلاعات پژوهش، از روش های مختلف؛ منابع کتابخانه ای و الکترونیکی فارسی و انگلیسی، بهره برده شده است.

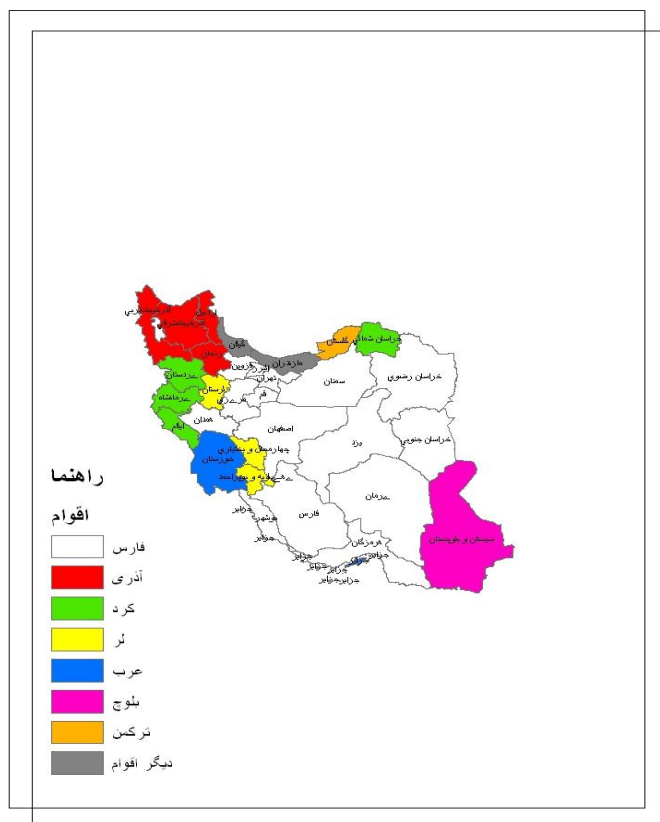
## ۳- محیط شناسی

حیطه تحقیق و بررسی های این پژوهش، مناطق و استان های محل سکونت اقوام شش گانه عمده کشور (بجز اقوام فارس که بخش مرکزی ملت و دولت را تشکیل می دهند) می باشد. این مناطق را می توان بطور گذرا در نقشه شماره ۱ مشاهده کرد.

## ۴- نگاهی به وضعیت موجود

مطالعه چگونگی پراکنش اقوام در وهله اول و چگونگی تعامل و همگرایی یا واگرایی آنها در وهله بعد، حائز اهمیت است. چراکه «همگونی فرهنگی - نژادی یا برعکس، ناهمگونی می تواند باعث تقویت یا تضعیف یک جامعه شود. البته این به چگونگی رفتار مردم نسبت به یکدیگر و نقش دولت در تقویت پیوندهای ملی یا تضعیف آن، مانند اتخاذ سیاست تبعیض نژادی، بستگی دارد» (میرحیدر، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

هرچه یک ملت دارای عوامل همبستگی بیشتری باشد، طبیعتا دارای وحدت و منشا قدرت سیاسی و اقتصادی بوده و بهتر می تواند هویت ملی را تجلی دهد. معمولا بین افراد ملت، صرفنظر از سرزمینی که همه در آن زندگی می کنند و حکومتی که تحت لوای آن به سر می برند، عواملی وجود دارد که آنها را به هم نزدیک کرده و از مردم سرزمین و کشورهای دیگر مشخص و مجزا می سازد (یوردشاهیان، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۵). این عوامل که اجزای اصلی هویت ملی و متعاقبا اتحاد اقوام درون یک سرزمین را می سازند، پرشمار و متنوعند. اما مهمترین آنها را می توان مجموعه عوامل: جغرافیایی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی دانست.



نقشه شماره ۱- استان های بومی محل سکونت اقوام عمده ایران  
(ترسیم از نگارندگان)

هرچند عوامل مذکور از عوامل مهم در حیات و هویت ملی یک ملت و از ارکان ملیت و هویت اجتماعی به شمار رفته و وجود آنها باعث همبستگی بیشتر بین افراد ملت می شود، باید توجه داشت که همیشه همه این عوامل بین افراد همه ملت ها موجود نیست و گذشته از این، یک ملت نمی تواند صورت سیاسی پیدا کند، مگر اینکه یک عامل مشترک به طور مسلم بین افراد آن وجود داشته باشد و آن علاقه مردم است که خود را از افراد آن ملت بدانند (همان: ۱۷).

در ادامه، این مجموعه عوامل را درباره اقوام اصلی ایران بطور خلاصه، مورد مطالعه قرار می دهیم.

#### ۱-۴- قوم آذری

##### ۱-۴-۱- ویژگی های جغرافیایی

این گروه در بخش شمال غربی ایران، در استان های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل و زنجان استقرار داشته و ادامه آن به استان همدان و غرب گیلان گسترش یافته است؛ علاوه بر این در شهرهایی چون

تهران، قم، اراک و قزوین نیز به صورت ادغام اجتماعی، جمعیت قابل توجهی را شامل می شود (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۵۷).

#### ۲-۱-۴- ویژگی های تاریخی

۲-۱-۴-۱- تاریخ: به نظر می رسد یکی از دلایلی که قوم آذری، مشارکت بالایی در امور مختلف کشور دارند، عامل تاریخی بوده است. به این ترتیب که آذری ها، خود را یکی از اقوام اصلی و از صاحبان کشور ایران محسوب می کنند و به این علت در اداره امور عمده کشور، همواره نقشی مهم برای خود قائل هستند. این دیدگاه بر توزیع فضایی آنها نیز تاثیر گذاشته، دیگر مناطق کشور را نیز وطن خود دانسته و در آنجاها نیز سکونت گزیده اند. در همین راستا، یوردشاهیان ادعا می کند که مانائی ها (که احتمالاً آذری ها از نسل آنها هستند)، حتی پیش از مادها که معمولاً نخستین حکومت ایرانی محسوب می شوند، دارای حکومت و هویت در مناطقی از آذربایجان امروز بوده اند (یوردشاهیان، ۱۳۹۰: ۳۹).

۲-۱-۴-۲- نژاد: «در زمینه تبارشناسی اقوام آذری باید به این نکته دقیقاً توجه کرد که آذری های ایران، طی قرون متمادی اعصار تاریخ، بر اثر همزیستی و امتزاج و آمیختگی اقوام محلی و باستانی (آذری ها و اقوام آرات و هوری و ترک) شکل گرفته اند که بیشترین سبب آن امتزاج و آمیختگی اقوام آذری و ترکان مهاجر است» (همان: ۴۳).

#### ۳-۱-۴- ویژگی های فرهنگی

۳-۱-۴-۱- زبان: آذری ها دارای زبان مشترک و گویش های مختلف هستند. «زبان ترکی آذری جزء گروه زبان های اوغوزی است که از لحاظ گویش و لهجه جزء گروه گویش های جنوبی قرار دارد» (همان: ۴۷ و ۲۸).

۳-۱-۴-۲- مذهب: آذری ها عموماً شیعه مذهبند. «اساساً این آذربایجانی ها بودند که بر اساس تعریفی نو و بر بنیاد مذهب شیعی، ایران نوین را در سال ۱۵۰۶، پایه گذاری کردند» (کاوپانی، ۱۳۸۸: ۱۵۸).

#### ۴-۱-۴- ویژگی های سیاسی

برجسته ترین رفتار سیاسی آذریها را باید تأسیس دولت صفوی دانست که پس از یک دوره طولانی هرج و مرج در کشور توانست دولتی فراگیر و یکپارچه در ایران به وجود آورد. در دوره قاجار نیز مقر ولیعهد ایران در تبریز واقع بود و شاه جدید از تبریز رهسپار پایتخت می شد. آذریها مهمترین نقش سیاسی خود را در اوایل قرن بیستم در سازماندهی نهضت مشروطه و تداوم مقاومت مسلحانه به رهبری سرداران معروف، ستارخان و باقرخان که به تصرف تهران انجامید، ایفا کردند. ایفای این نقش ملی، به دنبال سوابق سیاسی پیشین، دلالت بر گرایش وطن خواهانه و ملی گرایی آنها دارد.

مردم تبریز با رهبری شیخ محمد خیابانی، در سال ۱۹۲۰ م. قیام رهایی بخش دیگری را با هدف بیرون راندن بیگانگان از سرزمین ایران سر و سامان دادند و همگام با بقیه ملت با حکومت مرکزی به مقابله

برخاستند تا بار دیگر مسئولیت ملی نجات ایران را به دوش بکشند و مشروطه را احیا کنند. حرکت سیاسی - منطقه ای دیگری را حزب دموکرات آذربایجان به رهبری سید جعفر پیشه وری در دوره هرج و مرج پایان اشغال نظامی ایران (اواخر جنگ جهانی دوم/۱۹۴۶م) سازماندهی کرد و حکومت خودمختار آذربایجان را به وجود آورد. این تشکیلات سیاسی که در میدان رقابتهای آمریکا و شوروی نقش دولت محلی دست نشانده شوروی را بازی می کرد، ماهیتی برون زا داشت؛ به طوری که با حل مسأله در سطح رقابتهای استراتژیک دو قدرت، دولت خودمختار آذربایجان نیز یکسبه فرو ریخت؛ رهبران آن به آذربایجان شوروی گریختند و موضوع پایان یافت. حرکت سیاسی بعدی آذربایجان با شکل گیری نهضت مردمی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ و ۵۷ بود (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۱۶۰-۱۶۱)، و بالاخره در جریان جنگ تحمیلی با عراق نیز آذری ها مشارکت چشمگیری در نبرد با دشمن داشتند.

## ۲-۴- قوم کرد

### ۱-۲-۴- ویژگی های تاریخی

۱-۲-۴-۱ تاریخ: «کردها، دسته ای از اقوام آریایی هستند که ابتدا در اطراف دریاچه وان، منطقه قفقاز و رود دجله پراکنده بودند» (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۱۶۴). ریشه و اجداد اصلی قوم کرد را قوم کوتی دانسته اند. اولین بار در دوران پادشاهی مهرداد است که از سرزمین کردایی نام برده می شود و در عهد ساسانیان از وجود طوایف متعدد کرد در حوالی فارس و لرستان نام برده می شود. البته عده ای نیز اعتقاد دارند که استان کردوین از زمان هخامنشیان جزو استان های ایران بوده است. در مقابل اعتقاد بر اینست که لفظ کرد، بعد از حمله و غلبه اعراب، مقارن صد هفتم میلادی کم کم برای توصیف قبایل ایرانی نژادی که با اقوام سامی و ارمنی اختلاط داشتند به کار رفته و کردستان بر سرزمین و محل سکنا و زیست اقوام کرد اطلاق شد. نام کردستان، برای نخستین بار در دوران حکومت سلطان سنجر سلجوقی برای نامیدن سرزمینی که مردم کرد در آن می زیستند به کار رفت (پوردشاهیان، ۱۳۹۰: ۱۶۰-۱۵۹).

۱-۲-۴-۲ نژاد: عقیده عمومی این است که کردها از اقوام ایرانی و نژاد هند و اروپایی اند که از حدود چهار هزار سال پیش در منطقه کردستان استقرار یافته اند (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۱۶۴). «قوم کرد به دلیل موقعیت جغرافیایی و ویژگی های مکان استقرار، به طور نسبی در انزوا به سر برده و کمتر در معرض تبادلات و تحولات فرهنگی و نژادی قرار گرفته است. از این رو برخی معتقدند که قوم کرد بیش از دیگر اقوام ایرانی سالم و دست نخورده باقی مانده است. این باور موجب شده که کردها خود را اصیل تر از دیگر ایرانیان بیندارند» (همان: ۱۶۴).

### ۲-۴-۲ ویژگی های جغرافیایی

«کردها که سومین گروه از ملت ایران به شمار می آیند، در غرب کشور، در استان های کردستان، جنوب آذربایجان غربی و بخش هایی از استان های کرمانشاه و ایلام پراکنده اند. همچنین دسته جاتی از کردها نیز در شمال خراسان زندگی می کنند» (همان: ۱۶۴).

### ۳-۲-۴-ویژگی های فرهنگی

۱-۳-۲-۴- زبان: زبان کردی که به سه لهجه عمده "کرمانجی"، "سورانی" و "رززا" تقسیم می شود، از حیث ساختار و ریشه، از شاخه های ایرانی زبان های هند و اروپایی است. «در مجموع، زبان کردی در قالب لهجه های خاص آن، در عین داشتن زیرساخت مشترک با زبان های ایرانی نظیر بلوچی، پشتو و فارسی، گونه خاصی از زبان است که اقوام و گروه های کرد را به هم پیوند می دهد و از عوامل یکپارچگی و تجانس این قوم به شمار می آید» (همان: ۱۶۴-۱۶۵). اگر نگاهی به شجره نامه خانواده زبان های هند و اروپایی بیندازیم، زبان کردی را در کنار زبان فارسی، در ارتباط مستقیم با زبان های هند و ایرانی و جزء شاخه "توکاری" یا "توخاری" این زبانها می یابیم (یوردشاهیان، ۱۳۹۰: ۲۰۷).

۲-۳-۲-۴- دین و مذهب: از حیث مذهبی، کردها به دو گروه سنی شافعی و شیعه تقسیم می شوند. کردهای کردستان غالباً اهل سنت و شافعی مذهبند. کردهای منطقه کرمانشاه و ایلام و خراسان شمالی عمدتاً شیعه اند. بنابر این صرفنظر از کردهای شیعه مذهب، اکثریت کردهای کردستان در متغیر مذهب با بخش مرکزی ایران تفاوت دارند و از این حیث با دیگر مناطق کردنشین در خارج مرزها همسانی دارند (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۶۵).

### ۴-۲-۴-ویژگی های سیاسی

کردها در چارچوب جغرافیای سیاسی ایران، تا کنون در چهار مقطع، فعالیت های مهم سیاسی داشته اند (همان: ۱۶۶-۱۶۸):

نخست در هنگام طرح اندیشه تاسیس کردستان بزرگ، توسط شیخ عبیدالله غازی در سال ۱۸۸۰ میلادی بود که به غیر از مناطق کردنشین ترکیه، عراق و سوریه، شامل مناطق کردنشین کردستان و مسیر زاگرس در ایران نیز می شد. این طرح، علیرغم موفقیت های زودگذر به نتیجه نرسید.

در مرتبه دوم، پس از جنگ جهانی اول و در سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۵، اسماعیل آقا سمیکو، جنبشی را به منظور اتحاد قبایل کرد و تاسیس کشور کردستان مستقل سازمان داد که در نهایت از نیروهای دولت رضاشاه شکست خورد و طرح وی عقیم ماند.

بار سوم، پس از جنگ جهانی دوم، طی سال های ۱۹۴۵ - ۱۹۴۶ و مربوط به تشکیل جمهوری خودمختار مهلباد بود. این بار، رهبری این جنبش به دست حزب دموکرات و شخصی به نام قاضی محمد بود. این جنبش نیز پس از عقب نشینی نیروهای شوروی و متعاقباً پیشروی نیروهای دولت مرکزی ایران، شکست خورد.

چهارمین و آخرین تلاش سیاسی کردها برای خودمختاری یا استقلال، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۵۸ بود که احزابی چون دموکرات، کومله و فدائیان خلق با دولت مرکزی به مقابله برخاستند. این جنبش نیز در نهایت با مجموعه ای از تدابیر دولت مرکزی فرونشاند شد.

### ۳-۴- قوم عرب

#### ۱-۳-۴- ویژگی های جغرافیایی

عرب های ایران در بخش مرکزی و جنوب غربی استان خوزستان استقرار دارند. اعراب خوزستان، در بخش کم ارتفاع این ناحیه سکونت دارند (دیگر بخش های خوزستان، عمدتاً سکونتگاه عشایر و ایلات لر و بختیاری است) (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۶۹-۱۷۰). با وجودیکه سکونتگاه اصلی عرب های ایران استان خوزستان می باشد، شایان ذکر است که بجز این استان، عرب ها در شش استان دیگر کشور نیز در جوامع منسجم در حال زندگی هستند. این استان ها عبارتند از: بوشهر - هرمزگان - فارس - کهگیلویه و بویر احمد - خراسان جنوبی و ایلام (قیم، ۱۳۸۰: ۱۹۲).

#### ۲-۳-۴- ویژگی های تاریخی

۱-۳-۴-۲- تاریخ: با اینکه تصور عام این است که عرب ها پس از هجوم اعراب و اسلامی شدن، وارد ایران شده اند، اما یافته های تاریخی نشان می دهد که گروه هایی از اعراب، سالها پیش از هجوم اعراب مسلمان، در ایران ساکن بوده اند. برخی حتی این سابقه را به همان زمان عیلامی ها می رسانند. اما چیزی که مسلم است اینکه اعراب، یقیناً در دوره ساسانیان در بخش هایی از ایران ساکن بوده اند؛ اما مشخصاً پس از حمله اعراب عربستان، سکونت اعراب در ایران به شدت فزونی یافته است (قیم، ۱۳۸۰: ۱۸۹-۱۹۰).

۲-۳-۴-۲- نژاد: عرب های ساکن ایران از طوایف؛ بنی کعب، بنی صالح، بنی طرف، بنی مالک، آل خمیس، آل کثیر و چند طایفه دیگر تشکیل شده اند (عامریان و شیوا، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

#### ۳-۳-۴- ویژگی های فرهنگی

۱-۳-۴-۳- زبان: ساکنان منطقه عرب نشین خوزستان، از حیث زبان و قومیت، اصالتاً عرب هستند (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۷۰).

۲-۳-۴-۳- دین و مذهب: مردم این منطقه عمدتاً شیعه مذهباند و همچون آذری ها، با بخش مرکزی ایران همگونی دارند. قلمرو ناحیه عرب نشین شیعه مذهب به مناطق جنوبی عراق نیز گسترش پیدا می کند (همان: ۱۷۰).

#### ۴-۳-۴- ویژگی های سیاسی

به عنوان اولین حرکت سیاسی قابل ذکر قوم عرب، می توان از قیام شیخ خزعل طی سال های ۱۹۲۰ — ۱۹۲۵ میلادی، که مقارن پایان جنگ جهانی اول بود، نام برد که در نهایت به دلیل پشتیبانی نکردن توده های مردم منطقه، با مقاومت محدود دولت مرکزی، شکست خورد و از پای درآمد (همان: ۱۷۱). در دوره گذار سیاسی از رژیم پهلوی به جمهوری اسلامی، گروه های قومیت گرا در این منطقه تحرکات و فعالیت هایی انجام دادند. فعالیت این گروه ها بعد از انقلاب را می توان در دو مقطع زمانی از ابتدای انقلاب تا جنگ تحمیلی و دوران بعد از جنگ تقسیم نمود (مطلبی، ۱۳۹۰).

در دوره گذار از ابتدای انقلاب تا شروع جنگ تحمیلی، جنبش خلق عرب در سال ۱۹۷۹ میلادی در خرمشهر پدید آمد که داعیه خودمختاری و جدایی طلبی داشت و از سوی عراق حمایت می شد. این جنبش نیز در مقابل نیروهای مرکزگرا در خوزستان از پای درآمد (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۷۱). در دوران جنگ عراق با ایران، یکی از اهداف تهاجم عراق به خاک ایران، جداسازی خوزستان از ایران بود که پیشتر زمینه سازی آن را نیز با نامگذاری عربستان بر آن و تغییر نام چند شهر دیگر آن انجام داده بود. این بار نیز اعراب خوزستان، نه تنها از آن استقبال نکردند، بلکه در مقابل آن شروع به مقاومت کردند. ضمن اینکه خیل جنگزدگانی که از خوزستان به دیگر مناطق داخلی کشور کوچ کردند نیز به عکس، موجب همگرایی و اختلاط بیشتر این قوم با مردم نواحی مرکزی ایران در درازمدت شد.

بعد از پایان یافتن جنگ تحمیلی در نتیجه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و عادی شدن وضعیت استان خوزستان، بازگشت جنگزدگان از سراسر کشور به مناطق خود و احیای احساسات و هیجان‌های قومی عشیره‌ای در بعضی حوزه‌ها، زمینه فعالیت گروه‌های قومیت‌گرا میان توده‌های محروم استان در شرایط خاص دوره بازسازی و سازندگی مناطق جنگی و توقعات فزاینده مردم مهاجری که به استان برگشته بودند فراهم گردید؛ لذا دو گروه «عرب‌گرای تجزیه‌طلب» و «عرب‌گرای هوادار فدرالیسم»، در ابعاد داخلی و بین‌المللی فعالیت‌هایی در راستای اهداف خود انجام دادند (مطلبی، ۱۳۹۰).

#### ۴-۴- قوم لر

##### ۴-۴-۱- ویژگی‌های جغرافیایی

استان لرستان، اصلی‌ترین سکونتگاه قوم لر در ایران است. در کنار آن، قوم لر در دیگر مناطق نظیر خوزستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد، فارس، ایلام، کرمانشاه، قزوین، قم، همدان، مرکزی، اصفهان و تهران نیز پراکنده اند (عامریان و شیوا، ۱۳۹۰: ۱۳۷).

##### ۴-۴-۲- ویژگی‌های تاریخی

۴-۴-۲-۱- تاریخ: در حدود چهار هزار سال پیش اقوامی به نام کاسی که از نژاد آریایی (یا نژادی مخلوط با آریایی) بودند، در قسمت‌های غربی ایران و در منطقه زاگرس قدرت پیدا کردند. کاسی‌ها نیاکان اقوام لر به شمار می‌آیند (بازگیر و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۳).

۴-۴-۲-۲- نژاد: تعدادی از منابع، لرها را تیره‌ای از قوم کرد دانسته‌اند. البته بسیاری از منابع نیز این ادعا را رد کرده‌اند. بطور کلی، این مساله، یکی از مسایل بحث‌برانگیز درباره قوم لر می‌باشد.

##### ۴-۴-۳- ویژگی‌های فرهنگی

۴-۴-۳-۱- زبان: لری، جزء زبان‌های هند و ایرانی از شاخه زبان‌های هند و اروپایی است. البته، برخی زبان لری را به دلیل شباهت فراوانی که به فارسی میانه دارد، شعبه‌ای از زبان فارسی دانسته‌اند. برخی نیز



به جهت نزدیکی زیاد لری با کردی، این دو را یک زبان دانسته اند. ضمن اینکه خود این زبان نیز به چند گویش تقسیم می شود (عامریان و شیوا، ۱۳۹۰: ۱۳۵).

۲-۳-۴-۴- دین و مذهب: لرها عمدتاً در دوره قبل از اسلام، زرتشتی بودند. در دوره ساسانیان، عده ای از آنها به مسیحیت گرویدند، اما پس از ورود اسلام، مسلمان شدند. امروزه، اکثر لرها شیعه اثنی عشری هستند (همان: ۱۳۴).

#### ۴-۴-۴- ویژگی های سیاسی

از دوره صفویه تا میانه های پهلوی، لرها به شکل ملوک الطوائفی یا خودمختار بر سرزمینشان حاکم بودند. از زمان صفویان تا پایان زندیه این حکومت به شکل کامل بود. در دوره قاجاریه، لرستان به دو بخش پشتکوه و پیشکوه تقسیم شد. بطوریکه حکومت مرکزی بر لرستان پیشکوه حکم می راند و والیان لرستان بر لرستان پشتکوه. تا اینکه در زمان رضا شاه پهلوی، هر دو بخش لرستان به تصرف نیروهای حکومت مرکزی درآمد و نهایتاً در سال ۱۳۵۰، لرستان پیشکوه به استان لرستان و بخش پشتکوه به استان ایلام تبدیل شد (همان: ۱۳۳-۱۳۲). از ویژگی های سیاسی لرها، همچنین، تشکیل چندین حکومت محلی (اتابکان لر بزرگ و کوچک) و یک حکومت ملی (زندیه) بوده است (الهپاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲).

#### ۴-۵- قوم بلوچ

##### ۱-۴-۵- ویژگی های جغرافیایی

قوم بلوچ در ناحیه ای مشتمل بر جنوب شرقی ایران، جنوب غربی افغانستان و شرق پاکستان استقرار دارند. بلوچستان ایران، منطقه دورافتاده ای از کشور است که با ایالت بلوچستان در پاکستان و ناحیه بلوچنشین افغانستان پیوند فضایی و جغرافیایی دارد جغرافیای بلوچستان، باعث جدایی این منطقه از بخش مرکزی ایران شده است. دو عامل جغرافیایی دوری از مرکز و فضای کویری عاری از حیات فعال، تأثیر عمده ای در جدایی این منطقه از بخش مرکزی کشور داشته اند. قرار گرفتن فضای گسترده و مثلثی شکل کویرهای داخلی ایران، میان بلوچستان و بخش مرکزی کشور، باعث دورافتادگی جغرافیایی این منطقه شده و به آن موقعیت کاملاً حاشیه ای داده است (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۷۳ و ۱۷۴).

##### ۲-۴-۵- ویژگی های تاریخی

۱-۲-۴-۵- تاریخ: طایفه بلوچ که از اقوام آریایی هستند، پس از قرن چهارم به جنوب استان سیستان و بلوچستان کوچ کرده اند (میر و میرشکاری، ۱۳۹۳: ۷۱).

۲-۲-۴-۵- نژاد: از نظر قومیت و نژاد، درباره بلوچها مطالعات عمیقی انجام نشده است؛ عده ای آنها را حبشی و گروهی عرب یا از نژاد دراویدی و عده ای دیگر نیز آنها را قومی مرکب از نژادهای مختلف می دانند (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

بیشتر بحث‌ها در این زمینه بر دو نظریه استوار است؛ یکی داشتن ریشه ایرانی (آریایی) و دیگری داشتن ریشه عربی. با اینحال، آنچه اکثر نویسندگان و جامعه‌شناسان بر آن توافق دارند، نژاد آریایی مردم بلوچ است (مطلبی، ۱۳۹۰).

### ۳-۵-۴- ویژگی‌های فرهنگی

۱-۳-۵-۴- زبان: از نظر ریشه زبان و لهجه، زبان بلوچی را همانند پشتو، تاجیکی و کردی عضو خانواده زبان‌های ایرانی می‌دانند، اما لهجه‌های بلوچی در مناطق بلوچ‌نشین ایران و پاکستان به مراتب به هم نزدیک‌ترند تا به زبان فارسی (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۷۴).

۲-۳-۵-۴- دین و مذهب: مردم بلوچ، سنی حنفی مذهبند (کاوپانی، ۱۳۸۸: ۲۲۵) و از این جهت نیز، با بلوچ‌ها و قلمرو اهل سنت پاکستان و شبه‌قاره هند مجانست دارند، ولی با بخش مرکزی ایران متفاوت‌اند (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۷۴-۱۷۳).

### ۴-۵-۴- ویژگی‌های سیاسی

مهمترین حرکت سیاسی قوم بلوچ مربوط به جنبش سیاسی ناسیونالیسم بلوچ است که در پرتو رقابت‌های دوران جنگ سرد شکل گرفت. این ایده، آرمان تشکیل "بلوچستان آزاد" را پیگیری می‌کند و مرکز فعالیت‌های آن، ایالت بلوچستان پاکستان است.

یکی دیگر از تحرکات سیاسی که به دست نخبگان این منطقه هدایت و رهبری شد، قیام دوست محمدخان در سال‌های ۱۹۰۶ - ۱۹۲۸ میلادی بود. این جنبش جدایی‌طلب و خودمختار، برای مدتی، در سایه حمایت بریتانیا، دولت محلی مستقل تشکیل داد. اما با اقتدار یافتن دولت مرکزی ایران از پای درآمد. همچنین در زمان پیروزی انقلاب اسلامی و فقدان قدرت مرکزی در ایران، حرکت‌های سیاسی ضعیفی در جهت کسب خودمختاری و بازسازی اندیشه‌های ناسیونالیستی بلوچ شکل گرفت که به دلیل حمایت نشدن از جانب توده مردم، به موفقیتی دست نیافت (همان، ۱۷۶ و ۱۷۴).

### ۶-۴- قوم ترکمن

#### ۱-۶-۴- ویژگی‌های جغرافیایی

ترکمن‌های ایران در بخش شمالی استان گلستان و ناحیه ای کوچک از غرب خراسان شمالی، یعنی شهرهای گنبد، بندر ترکمن، مراوه تپه و جرگلان بجنورد استقرار دارند. قلمرو فضایی قوم ترکمن از این منطقه واقع در شرق دریای خزر آغاز می‌شود و به سمت آسیای مرکزی گسترش و امتداد پیدا می‌کند (همان: ۱۷۷).

#### ۲-۶-۴- ویژگی‌های تاریخی

۱-۲-۶-۴- تاریخ: قوم کم جمعیت ترکمن، ظاهراً از منطقه سیردریا (سیحون) در آسیای مرکزی برخاسته و به سوی جنوب نقل مکان کرده اند و در قلمروی کنونی مستقر شده اند (همان: ۱۷۷).  
۲-۲-۶-۴- نژاد: از لحاظ قومی، ترکمن‌ها خود را از نیای مشترک «آغوز» می‌دانند. ترکمن‌ها خود به طوایف و گروه‌های مختلفی (یموت، گوگلان و...) تقسیم می‌شوند (همان: ۱۷۷).

### ۳-۶-۴- ویژگی‌های فرهنگی

۱-۳-۶-۴- زبان. زبان ترکمن‌ها، ترکمنی است که شاخه‌ای از زبان‌های ترکی می‌باشد.  
۲-۳-۶-۴- دین و مذهب. مردم ترکمن، اهل تسنن می‌باشند (چورلی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۴-۷۵).

### ۴-۶-۴- ویژگی‌های سیاسی

پس از قرارداد آخال و تعیین رود اترک به عنوان مرز ایران و روسیه، قوم ترکمن نیز به دو پاره شد. قسمت اعظم آنها در نواحی شمالی مرز و بخش اقلیت در جنوب مرز و خاک ایران، قرار گرفتند. این وضعیت، ترکمن‌ها را به عکس‌العمل واداشت. اولین عملیات نظامی ترکمن‌ها پس از دوپارگی، علیه دولت ایران در سال ۱۳۰۱ شمسی آغاز شد. اما با تدابیر دولت مرکزی، یک سال بعد سرکوب گردید. با پدید آمدن دوره گذار سیاسی در سال ۱۹۷۹ میلادی (پیروزی انقلاب اسلامی)، جنبش سیاسی خلق ترکمن در سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۸۰ میلادی شکل گرفت.

این جنبش که به ترکمن صحرا معروف شد، در ابتدا تقاضای خودمختاری نداشت و فقط بر اصلاحات ارضی و کسب برخی خودگردانی‌ها و اعاده حقوق از دست‌رفته تأکید می‌کرد، ولی تبدیل آن به خشونت مسلحانه به رهبری گروه‌های چپ سبب شد پس از مدت کوتاهی، با مداخله دولت مرکزی، بحران پایان پذیرد (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۷۹-۱۷۸).

## ۵- ارزیابی نقاط مثبت و منفی اقوام در تعامل و تقابل با دولت و ملت ایران

### ۱-۵- عوامل کلی

#### ۱-۱-۵- مرزنشینی

مناطق مرزی یک کشور به طور ذاتی پتانسیل واگرایی را دارند، اما این خطر در شرایطی که مردم ساکن در منطقه مرزی از لحاظ قومی نیز با بدنه اصلی کشور نامتجانس باشند، افزایش می‌یابد. در واقع زمانی که شرایط جغرافیای طبیعی با جغرافیای انسانی در باره واگرایی همراهی کند، احتمال بروز این پدیده بیشتر می‌گردد.

در وضع جدید، بخشی از اقوام کرد، ترک، بلوچ، ترکمن و عرب در ایران و بخشی از آنها در مناطق همجوار دیگر کشورها اسکان یافته‌اند. وجود این اقوام در همسایگی ایران، هرچند می‌تواند سبب نفوذ فرهنگی

ایران شود، در چرخه‌ای معیوب می‌تواند به مداخله بیگانگان در حوزه داخلی ایران منجر شود. معمولاً افکار و رفتار ناسیونالیستی و تجزیه‌طلبی از همین مناطق وارد می‌شود. برای نمونه می‌توان به محل استقرار گروه‌های تجزیه‌طلب، مثل حزب منحل دموکرات در مناطق کردنشین شمال عراق، جنبش ملی بلوچستان ایران معروف به جمبا در بلوچستان پاکستان، جنبش خلق عرب در عراق و پان‌ترکیست‌ها در جمهوری آذربایجان و ترکیه اشاره کرد (مطلبی، ۱۳۹۰).

#### ۲-۱-۵- مداخله بیگانگان

مسئله تنوع و تکثر قومی و مذهبی کشور زمانی که با اهداف استعماری بیگانگان همراه می‌شود به منبعی برای تهدید امنیت ملی کشور تبدیل می‌گردد. ورود عوامل بیگانه به ساخت سیاسی کشور با ابزار ناهمگونی اقوام و اقلیت‌های قومی و مذهبی به سادگی انجام می‌شود. در تاریخ معاصر ایران، نمونه‌هایی از ردپای حضور فتنه‌انگیزانه بیگانگان را در آشوب‌های قومی نظیر بحران آذربایجان، کردستان، غائله شیخ خزعل و... به خوبی می‌توان مشاهده نمود (همان).

#### ۳-۱-۵- میزان توسعه و سطح زندگی مناطق حاشیه‌ای در قیاس با مناطق مرکزی

یکی از مهمترین شاخص‌ها و عوامل تاثیرگذار بر همگرایی یا واگرایی اقوام پیرامونی در ایران، مقایسه سطح زندگی و توسعه این مناطق و اقوام ساکن در آنها با مناطق مرکزی و مردم ساکن مرکز کشور است (جدول ۱).

جدول ۱ - رتبه کشوری استان‌های سکونتگاه اقوام در شاخص‌های توسعه انسانی (در سال ۱۳۸۷)

نام قوم	نام استان نماینده قوم	رتبه در میان استان‌های کشور
آذری	آذربایجان شرقی	۱۵
بلوچ	سیستان و بلوچستان	۳۰
ترکمن	گلستان	۲۱
عرب	خوزستان	۵
کرد	کردستان	۲۹
لر	لرستان	۲۷

مرجع: (پورطالعی، ۱۳۹۰).

همانطور که مشاهده می‌شود، بجز قوم عرب (در قالب استان خوزستان)، متأسفانه دیگر اقوام ایرانی از رتبه توسعه انسانی مناسبی در بین استان‌های کشور برخوردار نیستند و سه قوم از بین شش قوم عمده، آخرین رتبه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

## ۲-۵- بررسی عوامل همگرا و واگرایی اقوام با بخش مرکزی ایران

### ۱-۲-۵- آذری ها

#### ۱-۱-۲-۵- عوامل همگرا

مهمترین عوامل پیوند دهنده آذری ها به پیکره ملت ایران را می توان به شرح زیر دانست (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۶۰-۱۵۹):

- انتشار جغرافیایی آذریها از کانون اصلی به سوی بخش مرکزی و قلمرو فارس نشین ایران؛  
- وجود نظریه های ایرانی بودن قوم آذری در ادوار گذشته و انتساب آنها به قلمرو جغرافیایی کنونی موسوم به اران؛

- مشارکت فعال و جدی آذریها در امور مختلف کشور؛

- احساس تعهد ملی و مسئولیت پذیری آنان در برابر ایران به عنوان وطن و زادبومشان؛

- ایثارگری و فداکاری به خاطر منافع ملی و دفاع از سرزمین بویژه در جنگ ایران و عراق؛

- پرچمداری جنبشهای سیاسی - ملی ایران، بویژه در انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵) و مشارکت در مبارزات سیاسی منتهی به انقلاب اسلامی (۱۳۵۷). بر نقش آفرینی سیاسی آذری ها در بعد ملی، چه شاهی از این محکمتر که در جریان نهضت مشروطه، ستارخان به لقب سردار ملی و باقرخان به لقب سالار ملی، معروف شدند؛

- اتخاذ رفتار سیاسی - اجتماعی مسالمت جویانه و بردبارانه توأم با احساس همدلی و دلسوزی در مناسبات خود با فارسها؛

- تضاد تاریخی آذریها با عثمانیها و ترکهای آسیای صغیر؛

- ایفای نقش فعال و مؤثر در تبدیل مذهب رسمی کشور به تشیع در دوره صفویه که از مهمترین عناصر سازنده هویت دینی و ملی ایرانیان به شمار می آید؛

- یکی از ویژگی های مهم زبان ترکی آذربایجان ایران، تحت تاثیر قرار گرفتن بی اندازه آن از زبان فارسی است؛ تا آنجا که بیشتر واژگان این زبان را واژگان مشترک بین فارسی و ترکی تشکیل می دهند که در این زمینه وجود واژگان فارسی بیش از واژگان ترکی است. علاوه بر آن مساله دیگر، ریشه مشترک این واژگان است (یوردشاهیان، ۱۳۹۰: ۴۹-۴۸).

### ۲-۱-۲-۵- عوامل واگرا

در کنار عوامل همگرایی مذکور، همچنان، معدود عوامل واگرایی نیز وجود دارند که در صورت غفلت و عدم توجه می توانند تهدیدی برای همبستگی ملی و تمامیت ارضی کشور واقع شوند. برخی از این عوامل عبارتند از:

- سکونت اقوام آذری در مناطق حاشیه ای و مرزی کشور؛

- تحرکات و تحریکات پان ترکیست های منطقه، مخصوصا در جمهوری آذربایجان؛

- حساسیت های گاه و بیگاه به دلیل تقابل افراطی و احساسی زبان های فارسی و ترکی؛  
- تجانس در سه متغیر اصلی (نژاد، زبان و مذهب) با مردم جمهوری آذربایجان.

#### ۲-۲-۵- کردها

##### ۱-۲-۲-۵- عوامل همگرا

- در مقایسه با اقوامی چون بلوچ و عرب، فاصله جغرافیایی قوم کرد از بخش مرکزی، کمتر است.  
- روابط حسنه ایران با اقلیم کردستان عراق در همسایگی کردهای ایران، می تواند عامل سیاسی مثبتی در روابط بخش مرکزی و قوم کرد به شمار آید.  
- از گذشته های دور، قوم کرد، جزئی از ملت و کشور ایران را تشکیل می داده اند. این سابقه تاریخی می تواند بسان سرمایه ای برای ادامه زندگی در قالب یک کشور مشترک به شمار رود.  
- مردم عادی کرد، اگرچه توان گفت و گو را ندارند، اما زبان فارسی را به دلیل ریشه های مشترک می فهمند. همانطور که اشاره شد در شجره نامه خانواده زبان های هند و اروپایی، زبان کردی را در کنار زبان فارسی و جزو زبان های ایرانی می بینیم. اما افرادی مثل پرویز ناتل خانلری حتی از این نیز فراتر رفته اند و کردی را نه به عنوان زبانی مستقل که به عنوان گویشی از زبان فارسی معرفی کرده اند (یوردشاهیان، ۱۳۹۰: ۱۸۰ و ۲۲۰). همه اینها نشانگر نقاط اشتراک فراوان بین فارسی و کردی است که می تواند به عنوان عاملی برای انسجام بیشتر استفاده شود.  
- در مقایسه با دو قلمروی فرهنگی ترک و عرب، ایرانیان به دلیل دارا بودن برخی مشترکات زبانی، تاریخی، نژادی و فرهنگی با کردها، احساس همبستگی، تجانس و همدلی بیشتری نسبت به آنان دارند (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۶۵-۱۶۶).

##### ۲-۲-۲-۵- عوامل واگرا

- یکی از عوامل واگرایی کردها از بدنه اصلی کشور، توپوگرافی کوهستانی این منطقه بوده است. این مساله وقتی شکل حادثتری به خود می گیرد که راه های مناسبی نیز برای ارتباط آن با بخش مرکزی موجود نباشد. متأسفانه همچنان استان کردستان از وجود شبکه بزرگراهی متصل به مرکز کشور محروم است که با توجه به حساسیت این منطقه، می تواند باعث تشدید واگرایی گردد؛  
- در مجموع، اگرچه کردها در ریشه های نژادی، زبانی، تاریخی و برخی خصلت های فرهنگی با بخش مرکزی ایران دارای مشترکات هستند و همانندی هایی دارند؛ لکن از جهات مذهبی، قومی و زبان محاوره با بخش مرکزی ایران تفاوت دارند و در عوض با نواحی کردنشین خارج مرزها همگونی دارند. با این حال، کردهای ایران، در عین تمایل به خودمختاری، سودای باقی ماندن در ترکیب جغرافیای سیاسی ایران را دارند. «کردهای ایران، با وجود اینکه با اکثریت جامعه ایرانی پیوند نژادی دارند، به علت قوت پیوندها و باورهای درون قومی، نسبت به اجتماعات کرد ساکن عراق و ترکیه که تابعیت غیرایرانی دارند، تعلق خاطر نشان می دهند» (همان: ۱۶۴).

### ۳-۵- عرب ها

#### ۱-۳-۵- عوامل همگرا

- مردم عرب خوزستان، خود را جزئی جدایی ناپذیر از ملت بزرگ ایران می دانند و این باور را بارها در مقاطع بحرانی، مانند جنگ تحمیلی با عراق، نشان داده اند (قیم، ۱۳۸۰: ۲۱۷)؛

- یکی از مهمترین مواردی که می تواند موجب انسجام و پیوستگی بیشتر خوزستان و ساکنین آن با بدنه اصلی ایران گردد، توجه به این نکته است که اولین دولت بومی ایرانی که قبل از مهاجرت آریایی ها به این مرز و بوم تشکیل شده بود و قرن های مدیدی نیز به حیات خود ادامه داد، دولت عیلام بود که خاستگاه و مرکز آن در خوزستان فعلی، یعنی شوش و مناطق اطراف آن بود. حتی بسیاری این ادعا را مطرح می کنند که پایه و اساس تمدن های باشکوه ایرانی بعدی (مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان)، تمدن عیلام بوده است (عامریان و شیوا، ۱۳۹۰: ۱۱۰)؛

- ((بیش از ۹۹٪ مردم عرب خوزستان، شیعه اثنی عشری هستند و این اعتقاد علاوه بر نقش آن در تحکیم پیوند میان آنها، عامل همگرایی و همبستگی این مردم با مردم سایر مناطق میهن نیز بوده است)) (قیم، ۱۳۸۰: ۲۱۶)؛

- در نهایت، همانطور که در جدول ۱ دیدیم، سطح مناسب خوزستان در شاخص های توسعه انسانی، می تواند عاملی مهم در همگرایی این منطقه و قوم عرب با بخش مرکزی کشور باشد.

#### ۲-۳-۵- عوامل واگرا

- معمولا دختران عرب خوزستان با غیر عرب وصلت نمی کنند. حتی در گذشته، وصلت دختر عرب با پسر عجم را ننگی برای خود می دانستند (همان: ۲۱۹)؛

- وجود کدورت های تاریخی مثل رویارویی عرب و عجم یا شیعه و سنی (در مناطق عرب سنی نشین)، اگر مورد توجه و مراقبت قرار نگیرد، می تواند موجب بروز مشکلات و واگرایی هایی گردد.

### ۴-۵- لرها

#### ۱-۴-۵- عوامل همگرا

- فاصله جغرافیایی نسبتا کم با مرکز کشور؛

- سابقه کمترین درگیری سیاسی با دولت مرکزی؛

- زیست تاریخی با دیگر مردم ایران در طول تاریخ با حداقل ناسازگاری.

#### ۲-۴-۵- عوامل واگرا

- یکی از عقب مانده ترین مناطق کشور در بحث شاخص های توسعه انسانی؛

- عدم مجانست در متغیرهای زبان و نژاد با بدنه اصلی ملت.

## ۵-۵- بلوچ ها

### ۵-۵-۱- عوامل همگرا

- شاید مهمترین عامل همگرا بین قوم بلوچ و بخش مرکزی کشور، زبان بلوچی باشد که از خانواده زبان های آریایی است؛  
- همچنین عده ای از محققان، نژاد بلوچ ها را نیز آریایی می دانند.

### ۵-۵-۲- عوامل واگرا

متاسفانه عوامل واگرا در مورد این قوم و منطقه، بیش از عوامل همگراست که به تعدادی از آنها اشاره می شود:  
- بیشترین فاصله جغرافیایی از مرکز کشور؛  
- تفاوت در متغیرهای سه گانه اصلی با بخش مرکزی کشور؛  
- پایین ترین رتبه در کشور در زمینه شاخص های توسعه انسانی.

## ۵-۶- ترکمن ها

### ۵-۶-۱- عوامل همگرا

- پراکندگی قوم ترکمن در چند منطقه از کشور، بعلاوه ترکیب آنها در استان های پیوسته با بخش مرکزی و نیز فاصله نه چندان زیاد با مرکز کشور، می تواند از جمله عوامل همگرا قلمداد شود؛  
- چنانچه اوضاع و مناسبات مساعد کنونی در روابط دو کشور ایران و ترکمنستان، پایدار بماند، اثری مثبت بر نگرش اقلیت ترکمن های ایران به دولت ایران و بخش مرکزی خواهد داشت؛ مشروط به اینکه به طور همزمان، زمینه همکاری و مشارکت جامعه ترکمن در امور ملی و منطقه ای فراهم شود؛ روابط و مراودات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی میان منطقه ترکمن نشین و بخش مرکزی کشور، به ویژه تهران گسترش یابد و شرایط اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی آنها نسبت به ترکمنستان برتری داشته باشد و شرایطی مهیا شود که اقلیت ترکمن احساس کنند پیوند بیشتری با بدنه ملت ایران دارند و خود را شهروندان ایرانی بدانند (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۸۰).

### ۵-۶-۲- عوامل واگرا

«اقلیت ترکمن ایران به دلیل مشترکات قومی و نژادی، زبانی، تاریخی، اجتماعی و دینی با مردم جمهوری ترکمنستان، به طور طبیعی نسبت به این کشور علاقه دارند و دولت ترکمنستان، تکیه گاه عاطفی و سیاسی خوبی برای آنها به شمار می رود» (همان: ۱۷۹). این امر می تواند بزرگترین عامل واگرایی و مهمترین مانع همگرایی این قوم نسبت به بخش مرکزی ایران قلمداد شود.



جدول شماره ۲ - اطلاعات مربوط به سه متغیر اساسی قومیت های عمده ایران<sup>۱</sup>

نام	زبان	مذهب	نژاد	میزان اختلاط با بخش مرکزی	میزان تعلق خاطر به هم نژادهای خارج از کشور
آذری	آذری (ترکی)	تشیع	ترک	بالا	پایین
بلوچ	بلوچی	تسنن	بلوچ	پایین	بالا
ترکمن	ترکمنی	تسنن	ترکمن	پایین	بالا
عرب	عربی	تشیع - تسنن	عرب	متوسط	متوسط
کرد	کردی	تسنن - تشیع	کرد	متوسط	بالا
لر	لری	تشیع	لر	متوسط	پایین

با نگاهی گذرا به جدول فوق، مشخص می شود که سه قوم بلوچ، ترکمن و کرد، در هر سه متغیر اصلی با بخش مرکزی کشور نامتجانسند (درصدی از عرب ها نیز چنین شرایطی دارند). از اینرو این اقوام توجه ویژه ای را از طرف دولت مرکزی می طلبند. سه قوم دیگر در یک متغیر با بخش مرکزی مجانسند. لذا معمولاً همگرایی بیشتری با بدنه اصلی ملت دارند و طبیعتاً نگرانی کمتری نسبت به آنها احساس می شود.

#### ۶- جمع بندی و نتیجه گیری

«همواره بخش پیرامونی ایران علی رغم میل به مرکزگرایی و کسب خودمختاری، خود را جزئی از جغرافیای سیاسی ایران می دانسته است و کمتر در اندیشه جدایی طلبی و تاسیس دولت ملی مستقل بوده است. بنابراین درک احساسات قومی، هویت بخشی و تشخیص بخشی اقوام و احترام به حقوق اقلیت ها در قانون اساسی کشور، تغییر نگرش بخش مرکزی نسبت به پیرامون، فرصت سازی و تعبیه سازوکارهای مشارکت ملی برای آنها، آزادسازی نیروی بالقوه ناحیه گرایی از طریق توزیع قدرت سیاسی - اداری ملی در تمامی مناطق جغرافیایی کشور در چهارچوب الگویی متعادل و متوازن و بالاخره برقراری عدالت جغرافیایی و توزیع عادلانه ثمرات توسعه ملی در بین بخش مرکزی و مناطق پیرامونی، تا اندازه بسیاری میتواند به ایجاد تفاهم ملی، یکپارچگی، اطمینان اجزای ملت نسبت به یکدیگر و گسترش روحیه صمیمیت ملی کمک کند» (همان: ۱۸۳).

و در این راستا می توان پیشنهادات زیر را ارائه داد:

۱. مهم اینست که به هر قوم با نگاه خاص منطبق با آن قوم نگاه شود و برنامه ویژه ای مختص آن طرح شود. در واقع نمی توان با همه اقوام به یک شکل برخورد کرد. مثلاً با اقوامی که اهل سنت هستند، باید به شکل متفاوتی نسبت به اقوام شیعه مذهب برخورد شود ...

<sup>۱</sup> در تهیه این جدول، از جدول وضعیت گروه های قومی مختلف در ایران، کتاب بنیادهای نظری جغرافیای سیاسی، دکتر بهادر زارعی، ص ۲۷۵ (به نقل از: افتخاری، ۱۳۷۵: ۴۷) نیز استفاده شده است.

۲. رسانه ها و به خصوص صدا و سیما می توانند نقشی مهم در انسجام و وحدت ملی داشته باشند. به عنوان مثال، به هنگام انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری ایران، بخشی از جامعه اهل سنت در تهران با صدور بیانیه ای، خواست های خود را مطرح کرد که یکی از بند های آن؛ «اختصاص ساعاتی از برنامه های صدا و سیما به اهل سنت» بود (کاویانی، ۱۳۸۸: ۱۱۲). همچنین تهیه و پخش فیلم هایی در مورد قومیت ها و در راستای پیوند و همبستگی بیشتر آنها با دیگر اقوام و بطور کلی ایران، می تواند از دیگر راهکارها در این بخش باشد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳).
۳. با توجه به رشد روزافزون فضای مجازی، با برنامه ریزی و سرمایه گذاری در این عرصه نیز می توان فعالیت هایی در جهت انسجام و اتحاد اقوام ایرانی انجام داد. ایجاد وبسایت هایی توسط نهادهای رسمی در این راستا و تلاش برای نزدیکی بیشتر دیدگاه های کاربران مجازی از اقوام و گروه های مختلف، از جمله این فعالیت هاست.
۴. توسعه پایدار و متوازن و توزیع عادلانه منابع مادی و معنوی بین مرکز کشور و حاشیه قومی آن، به خصوص در مقایسه با شرایط زندگی قوم یا کشور مجاور، مساله ای مهم است. در این جهت، باید تلاش شود سطح معیشت و رفاه هموطنان ساکن در استان های آذربایجان شرقی و اردبیل، در قیاس با جمهوری آذربایجان؛ آذربایجان غربی در قیاس با ترکیه و کردستان عراق؛ کردستان، کرمانشاه و ایلام در قیاس با کردستان عراق؛ خوزستان در قیاس با عراق؛ خراسان شمالی و شمال گلستان در قیاس با ترکمنستان؛ و بالاخره سیستان و بلوچستان در قیاس با پاکستان، در سطح قابل قبول و حتی بالاتری قرار داشته باشد. البته این مهم می بایست درباره همه استان ها و مناطق مرزی مدنظر باشد؛ اما طبیعتا اهمیت آن در مورد استان های قومیتی بیشتر می باشد.
۵. جد و جهد در جهت حل مسائل و مشکلات اقوام با توجه و در نظر گرفتن مقتضیات و شرایط قومی، از مهمترین و واضح ترین رویکردهایی است که به عنوان پیشنهاد مطرح می شود. همانطور که در متن مقاله دیدیم، متاسفانه استان های قومیتی کشور از رتبه مناسبی از نظر شاخص های توسعه انسانی در سطح کشور برخوردار نیستند. ضروری است با توجه به تهدیدهای درونی و بیرونی در این مناطق و حساسیت هایی که در مورد سطح زندگی اقوام و در مقایسه با بخش اصلی و اکثریت ملت وجود دارد، توجه بیشتری به این امر صورت گیرد.
۶. تاسیس سازمان های مردم نهاد<sup>۲</sup> (سمن) که با هدف جذب، آشنایی و همگرایی اقشار مختلف از اقوام مختلف کشور سازماندهی شده و جلسات خود را بطور منظم در مناطق قومی کشور برگزار کنند (همان). شکی نیست که چنین فعالیت هایی، می تواند در دوستی و نزدیکی اقشار عامه جامعه از اقوام و اقلیت های مختلف، مثمرتر واقع گردد.
۷. مشارکت دادن اقوام در اداره امور و مناصب ملی، امری است که در همگرایی این اقوام با بدنه اصلی کشور بسیار می تواند موثر باشد. قطعاً اگر افراد مورد اعتماد و مورد قبول عامه مردم از قومیت های مختلف، مناصب مهم و ملی را در کشور بدست گیرند، بزرگترین گام برای همگرایی و نزدیکی اقوام

<sup>۲</sup>. NGOs

با دولت ملی برداشته شده است. تاثیر این رویکرد را در همگرایی اقوام آذری با دولت و ملت ایران به خوبی می توان مشاهده کرد. چه خوب است چنین الگویی برای سایر اقوام کشور نیز اجرا گردد.

۸. برنامه ریزی برای برپایی تورهای گردشگری با هدف سفر مردم استان ها و اقوام مختلف به مناطق قومی - حاشیه ای و بالعکس (همان). چنین برنامه هایی بایست با نظارت و حمایت دولت مرکزی و به شکل هدفمند (هدف از تمام این سفرها و... بایست در نهایت، همگرایی بیشتر بین اقوام باشد) برگزار شود.

۹. مهم ترین مساله اینست که به سه متغیر اساسی ای که به وجود آورنده قومیت های مختلف هستند، توجه ویژه ای معطوف شود. از میان این سه متغیر، متغیر نژاد عملا ثابت است و تغییری نمی توان روی آن انجام داد. تنها می توان تلاش کرد تا نیروهای همگرا بین نژادهای موجود را تقویت و نیروهای واگرا را تضعیف کرد.

در مورد زبان می توان برنامه ریزی و فعالیت های مفید و موثری انجام داد که قطعا در همگرایی بیشتر اقوام پیرامونی با بدنه اصلی ملت موثر است. در مورد مذهب نیز باید توجه داشت که این مساله، موضوعی بسیار حساس است و به همین ترتیب نیز باید با دقت و مراقبت زیاد با آن مواجه شد. در این مورد می توان برنامه ها و برنامه ریزی های متنوع و بسیاری داشت که پرداختن تخصصی به آنها از حوصله این بحث خارج است، اما موردی که بطور کلی پیشنهاد می شود اینکه هرچه از مباحث مذهبی به سمت مباحث دینی حرکت کنیم، می توان امیدوار بود از اختلافات در این زمینه نیز کاسته شود. این بدان معناست که تلاش شود با گسترش دید عامه مردم و بخصوص روحانیون و مبلغان دینی، چه مربوط به بدنه اصلی و اکثریت ملت و چه روحانیون قومی، بجای تاکید بر مباحث شیعه و سنی، بر دین اسلام، به عنوان یک مفهوم جامع که در بردارنده هر دوی این مذاهب است، تاکید و سعی بر این باشد که اختلافات بین این دو مذهب تا حد ممکن کمرنگ و بر مشترکات آنها تمرکز گردد.

۱۰. بالاخره اینکه به عناصر اصلی ایرانیت توجهی عمیق و وافر مبذول گردد. تمامی اقوام ایرانی اگر در یک چیز با هم مشترک باشند، بدون شک، ایرانیت و ایرانی بودن است. بنابراین بایستی تاکید و توجه بیشتری روی عناصر ایرانی که بین همه اقوام مشترک هستند، شود. به عنوان نمونه و برای آغاز کار، می توان به جشن باستانی نوروز اشاره کرد. عید نوروز، به عنوان مهمترین عید ملی ایران، مورد تایید و تاکید تمامی اقوام ایرانی (حتی در بیرون مرزهای سیاسی ایران) است. بنابراین در صورت برنامه ریزی درست، می تواند به عنوان یک عامل همگرا مطرح گردد. این تنها نمونه ای عیان از عناصر ایرانی بود که می تواند موجب همگرایی بیشتر اقوام ایرانی شود. قطعا در صورت کنکاش بیشتر در عمق تاریخ و فرهنگ ایران زمین می توان نمونه های بیشتری از این قبیل یافت و با برنامه ریزی و پروردن، از آنها در جهت حفظ و تقویت همگرایی اقوام ایرانی بهره برد.

## ۷- منابع

۱. احمدی، سید عباس و همکاران (۱۳۹۳): «ضرورتها و راهکارهای تقویت همگرایی کردها با سایر اقوام ایرانی»، همایش جغرافیا؛ بستر توسعه.
۲. الهیاری، فریدون و همکاران (۱۳۹۰): «نقد و بررسی تحلیلی نظریه کرد بودن لرها»، نشریه پژوهش های تاریخی، شماره سوم (پیاپی ۱۱)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان.
۳. بازگیر، فضل الله و همکاران (۱۳۹۳): «استان شناسی لرستان»، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
۴. پورطالعی، فاطمه (۱۳۹۰): «جایگاه توسعه یافتگی ایران و استان های کشور از منظر شاخص توسعه انسانی»، هفته نامه برنامه، شماره ۴۳۷ (۲۱ آبانماه ۱۳۹۰)، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
۵. چورلی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۳): «استان شناسی گلستان»، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
۶. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۱): «جغرافیای سیاسی ایران»، تهران: انتشارات سمت.
۷. دانشنامه آزاد ویکی پدیا (۱۳۹۴-۲۰۱۵): مطالب مربوط به استان های ایران، [wikipedia.org](http://wikipedia.org) (نسخه های فارسی و انگلیسی).
۸. زارعی، بهادر (۱۳۹۲): «بنیادهای نظری جغرافیای سیاسی - با تاکید بر اسلام و ایران»، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۹. عامریان حمید و امید شیوا (۱۳۹۰): «شناخت فرهنگ و اقوام ایران زمین»، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۰. قیم، عبدالنبی (۱۳۸۰): «نگاهی جامعه شناختی به زندگی و فرهنگ مردم عرب خوزستان»، فصلنامه مطالعات ملی: سال دوم، شماره ۷، بهار ۱۳۸۰.
۱۱. کاویانی، مراد (۱۳۸۸): «ناحیه گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۲. مطلبی، مسعود (۱۳۹۰): «جغرافیای سیاسی اقوام ایرانی»، نشریه زمانه: شماره ۷۰، مرداد ۱۳۹۰.
۱۳. موسسه گیتاشناسی، زیر نظر سعید بختیاری (۱۳۹۲): «اطلس جامع گیتاشناسی»، تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
۱۴. میر، علیرضا و لیلا میرشکاری (۱۳۹۳): «استان شناسی سیستان و بلوچستان»، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
۱۵. میرحیدر (مهاجرانی)، دره (۱۳۸۲): «مبانی جغرافیای سیاسی»، تهران: سمت.
۱۶. وبسایت های نهادهای رسمی استان های مربوطه.
۱۷. یوردشاهیان، اسماعیل (۱۳۹۰): «تبارشناسی قومی و حیات ملی»، تهران: نشر فرزاد روز.